

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښت تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

|       |           |
|-------|-----------|
| سیاسی | Political |
|-------|-----------|

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین، ۱۱ جنوری ۲۰۰۹

## بی مضمونی سایت "جرمن جرمن"

### و رقص "تحفه محبت"

### طنز اول سال ۲۰۰۹

در مقالات چندی پیش نوشتم که : « کم است که از بی مضمونی در دهان سایت "جرمن جرمن" مگس خانه کند. » این طنز نیشدار و نیز آوردن لست همکاران سابق که دیگر به سایت "جرمن جرمن" مقاله نمی فرستند، متصدیان سایت را واداشت که آن قسمت "غیر متحرک" بدن خود را جُم داده، به تکاپو آمده و از هر طرف به جلب همکار پرداخته و از ایشان مقاله گدائی نمایند. درین راه به وسایل مختلف دست یازیدند :

۱- تلفونهایی بر در بر به نویسندگان و شعراء و گرفتن ریش ایشان و الحاح و زاری بدین مضمون که : « به لحاظ خدا و به لحاظ آفتاب روز قیامت و به سر اولادایتان؛ هر طور میشه بر ما چیزی بفرستین، اگرنی بی آب میشیم و پیش حریف، کم می آئیم!!!!!! »

۲- اخذ کردن مقالات از سایتهای دیگر، بدون ذکر مأخذ و بدون این که در سر یا پای مقالات بنویسند که مثلاً : "اقتباس از فلان و بهمان سایت" و یا "مأخذ : فلان و بهمان سایت" و غیره.

در این ارتباط باید از یک ترفند دیگر سایت "جرمن جرمن" پرده بردارم، و آن اینکه : سایت "جرمن جرمن" مطلبی را از کدام سایت اخذ کرده و مرجع اخذ مطلب را افشاء هم میکند، ولی با یک "ترفندک" نرم و نازک و آن اینکه بر فرق مطلب مینویسد : "ارسالی فلان و بهمان سایت". مثلاً سایت "جرمن جرمن" مطلب مصوری را زیر عنوان "گزارش تصویری از عاشوراء در کابل" از سایت "دوستان وطن" اخذ کرده و بر فرق مطلب نوشته : "ارسالی صفحه دوستان وطن"

همینکه این مطلب را بروز ۸ جنوری ۲۰۰۹ در سایت "جرمن جرمن" دیدم، رفتم سایت "دوستان وطن" را گشودم. بلی؛ رفتم به آن سایت و کشفی کردم عجیب و غریب. کشف اینست، که سایت "دوستان وطن" این مطلب را به سایت "جرمن جرمن" نفرستاده است. و اگر میفرستاد، باید عین مطلب به عین شکل هم در سایت "دوستان وطن" درج میبود و هم در سایت "جرمن جرمن". چون سایت "جرمن جرمن" به حیث "سایت اخذ" یا "سایت گیرنده" به هیچ صورت حق نداشت که "مطلب اخذ شده" را دگرگون بسازد و عکسهایش را کم و زیاد و یا پیش و پس نماید!!!! یعنی در اساس باید اینطور میبود که :

عین مطلب در سایت به اصطلاح "مُرسل" - یعنی "دوستان وطن" - و در سایت "مُرسل الیه" یعنی سایت "جرمن جرمن" - باید کاملاً با عین محتوا و به عین شکل نشر میگردد. چون عین مطلب را در این دو سایت، به عین شکل نمی یابیم، بدین نتیجه میرسیم، که :

- یا سایت "جرمن جرمن" مطلب اخذ کرده از سایت "دوستان وطن" را دستکاری کرده، که این به ذات خود کاریست بس نامشروع!!!!

– و یا اینکه این مطلب را از آن سایت گرفته و برای نجات از بینی بریدگی "سرقت"، خود بر فرش نوشته:

« ارسالی صفحه دوستداران وطن »

من ورشن دومی را قرین به حقیقت میدانم، چون اگر قرار میشد که صفحه "دوستداران وطن" این مطلب را به جایی بفرستد، باید از همه اولتر آنرا به سایت "آزمون ملی" میفرستاد، که باهم از نگاه فکری و دید سیاسی بسیار نزدیک میباشند. و چون این مطلب در سایت "آزمون ملی" سراغ نمیگردد، پس معلوم است که سایت "دوستداران وطن" آنرا به "جرمن جرمن" نفرستاده است.

۳ – نشر مقالات سابق با تغییر تاریخ نشر و یا با حذف تاریخ نشر، از آرشیفهای "وُرد" خود سایت "جرمن جرمن". داستان این کارنامه را ضمن مقاله « متصدیان "جرمن آنالین" تقرر فکری ندارند!!!! » مؤرخ ۲۹ دسمبر ۲۰۰۸ خود شگافتم و خواننده ارجمند و کنجکاو میتواند بر آن نظری افکند.

راه اول را باید مشروع دانست، ولو که "عذر و زاری کردن" کار "افغانان اصیل" نیست، و از همین سبب است که کلمه باعظمت و پرغرور "افغان" را از سر نام این سایت "جیوجیوگر" و "مُقاد" حذف کرده و آنرا سایت "جرمن جرمن" می نویسیم.

اما راه دوم "غیر مشروع" و خلاف تعاملات مطبوعاتی شمرده شده و در زمره "سرقت ادبی" بشمار می آید. من نام یک تعداد مطالب را درینجا بشکل نمونه ذکر میکنم، که بدین ترتیب از سایتهای دیگر دزدی شده اند :

– مقاله آقای "وحید مژده" زیر عنوان "افغانستان و عربهای افغان" :

از سایت "آزمون ملی" – با حذف پیشانی مقاله که چند سطر از متن "بخش دوم" مقاله را به حیث "سرخط" در بر میگیرد، و عکس "عبدالله عزام" را با جنگسالار تبهکار "کابل ویران"، احمد شاه مسعود، نشان میدهد. قابل یادآوریست که سایت "آزمون ملی" این مقاله را خود از سایت "خبرگزاری صدای افغان" اقتباس کرده و این امانتداری را در پای مقاله چنین مسجل ساخته است :

### خبرگزاری صدای افغان

اگر خود جناب "مژده" این مقاله را که متضمن دو بخش اول مقاله است، به سایت "جرمن جرمن" میفرستاد، چرا بخش سوم آنرا به "جرمن جرمن" نفرستاده است؟؟؟ اگر خواننده ارجمند به سایت "آزمون ملی" مراجعه نماید، هر سه بخش این مقاله را در آن خواهد یافت!!!!

– شعر "مرد افغان" از طبع شاعره زیبایان افغان، میرمن آصفه خلیل مسعودی، که حدوداً چار هفته پیش – دقیقاً به تاریخ ۱۶ دسمبر ۲۰۰۸ – زینت بخش پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" گردیده بود. نمیدانم، سایت "جرمن جرمن" وُرد همین شعر جذاب را از کدام سایت، "کوری و کیوتی" کرده و بر فرش تاریخ ۶ جنوری ۲۰۰۹ را زده است. من با خانم آصفه جان مسعودی تماس تلفونی گرفته و از ایشان در زمینه جویای معلومات گردیدم و ایشان قاطعانه گفتند :

« این شعر را شخص خودم به سایت "افغان جرمن" نفرستاده ام. »

ایشان این نکته را نیز گفتند که : « این شعر را به دوستان خود هم از طریق ایمیل فرستاده ام، که شاید یکی از ایشان آنرا به سایت "افغان جرمن" فرستاده باشد. » پس نتیجه میگیریم، که آصفه جان مسعودی خود حاضر به همکاری با سایت "جرمن جرمن" نشده است.

درینجا باید بصراحت تام بگویم، که هر نویسنده و شاعر حق دارد با هر سائیتی که دلش بخواهد همکاری نماید، ولی وقتی همکاری خود را عرضه میکند، باید این نکات را جداً مد نظر داشته باشد :

– سائیتی که لائهُ خلقان و پرچمیان دو آتشف گزیده و کیف و کان اداره اش بدست ایشان درآمده است، شایسته همکاری نیست!!!!

– سائیتی که به طرفداری از جنایتکاران نامدار "خلقی – پرچمی" برخاسته و وطنپرستان و مبارزان صدیق افغان را تخطئه مینماید، شایسته همکاری نیست!!!!

– سائیتی که "دشنامنامه" آن عضو مشهور و بدنام "شورای انقلابی" رژیم سفاک "خلق – پرچم" را – بعد از آنکه سجل و سوانح منحوسش بر همه آشکار گردید – به نظرخواهی گذاشته و خود زیر نامهای مستعار به نفعش نظر میدهد، هرگز شایسته همکاری نیست!!!!

باز بصراحت تمام میگویم که :

من خاصیت زشت آن اشخاص خاص سایت "جرمن جرمن" را ندارم، که به احمد و محمود و کلبی و مقصود تلفون زده و از ایشان تقاضاء نمودند، که به پاس "دوستی و سابقه آشنائی" و به پاس "هم صنفی بودن" و "همکار بودن در افغانستان"، ارتباط خود را با پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" قطع کنند!!! نه خیر!!! نه من و نه کدام عضو دیگر پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" این کار قبیح را نمی کنیم و بلکه چنین کاری را توهین و تحقیر به نویسنده و شاعری میپنداریم، که از چنین تقاضای سوئی صورت میگیرد!!!! توهین و تحقیر به دو دلیل ذیل :

- چنین کار خلاف آداب انسانی و خلاف تعاملات مشروع مطبوعاتی بوده و تحمیل عقیده خود بر نویسنده و شاعر است، که از ایشان چنین تقاضائی صورت میگیرد!!!! بلی؛ این کار تصرف در حریم "آزادی فکر و اندیشه" نویسنده و شاعر است، و بزرگترین موهبت و عطیه ای که از طرف خداوند بزرگ به نویسنده و شاعر ارزانی گردیده اینست، که "آزادی فکر و عقیده" و "آزادی در تصمیم گیری" را نگه دارد!!!!

- ایشان فکر کرده اند، که نویسنده و شاعر "مقاضا عنه"، آنقدر "سست عنصر" است، که زیر تأثیر سخنان چرب و نرم و اغواء کننده اغواء گران "جرمن جرمن" میروند!!!!

- مقاله جناب "حمید عطا ادم" زیر عنوان "از دیاد عساکر امریکایی یا افزون شدن مصیبت در افغانستان": حدس میزنم که این مقاله از آرشیف سایت "صدای افغان"، اخذ گردیده (مقاله دهم)، البته بدون ذکر مأخذ و منبع اقتباس. این مقاله در سایت "صدای افغان" مورخ ۲۳ دسمبر ۲۰۰۸ است و سایت "جرمن جرمن" نیز عین تاریخ را در طاق پیشانی مقاله نگه داشته است.

این بود مشتی نمونه خروار از کارروائی های نامشروع سایت "جرمن جرمن". اما خواننده ارجمند حتماً خواهد پرسید که سایت "جرمن جرمن" چرا دست به چنین کارهای غیر مجاز و خلاف تعاملات مطبوعاتی میزند؟؟؟ جواب بسیار ساده است و آن به دو دلیل ذیل :

- اول اینکه به مردم بی خبر از دنیا بفهماند، که :

« این نویسندگان برخلاف ادعای "ماروفی صایب" و لست ارائه شده اش، با پورتال "افغان جرمن آنلاین" به همکاری خود ادامه میدهند!!!!!! »

- دوم اینکه به خلق الله تفهیم نمایند، که :

« برخلاف ادعای "ماروفی صایب" در دهان پورتال ما منگس خانه نکرده است، بلکه نویسندگان "درگد" برایما مقاله و شعر و غیره میفرستند!!!!!! »

از تقلبات متصدیان و باصطلاح ایرانی "گردانندگان" سایت "جرمن جرمن" یکی هم اینست که در مقاله آقای سیستانی که به نظرخواهی گذاشته شده بود، بسا نظرات را بقلم خود همکاران خویش نوشته و زیر نام های مستعار به حیث نظر خوانندگان جلوه دادند. ایشان درین قسمت تا آنجا پیش رفتند، که حتی نظراتی را از زبان بعض نویسندگان شناخته افغان هم جعل کردند. در یک "نظر" که بنام یک نویسنده و شاعره محبوب افغان جعل گردیده، ذکر خیری از بنده الله "خلیل الله معروفی" نیز رفته بود. چون من با آن نویسنده و شاعره ارجمند از سابق ارتباط تلفونی داشتم، تعجب کرده، تلفون را برداشته و از ایشان موضوع را استفسار کردم و ایشان بصراحت تام گفتند که :

« من فقط با سه سایت "فردا" و "کابل ناته" و "مشعل" همکاری میکنم و دیگر به هیچ سایت دیگری مطلب نفرستاده و به هیچ وجهی با ایشان همکاری نمیکم!!!!!! »

و باز گفتند :

« آدم اگر در نظرخواهی بخواد شرکت بکند، به نام مستعار مینویسد و نه به نام اصلی خود!!!!!! »

## یک سخن خنده آور، ولی جدی

**گویند که "دزد ده سر خود پر داره" (دزد در سر خود پر دارد) :**

متصدیان "جرمن جرمن" که به قلت همکاران و بالوسيله به قلت مطالب دچار میباشند و کس بمانند سابق همراهشان همکاری نمیکند، دقیقاً در همین لحظات خراب و پریشانی، احصائیه کار نشراتی خود را بیرون میدهند، تا به مردم بفهمانند که : « **آی مردم، ما بیچاره نشده ایم، ببینید که چقدر مقاله بیرون میدهم....** »

بلی؛ به تأسی از فحوای مثل "دزد سر خود پر دارد"، بود، که به تاریخ نهم جنوری راپور نشرات سال ۲۰۰۸ خود را زیر عنوان "راپور مختصر نشرات دری و پشتوی افغان جرمن آنلاین در سال ۲۰۰۸" نشر کرده و آن را حتی به نظرخواهی گذاشتند. در این راپور تعداد مجموعی مقالات سال ۲۰۰۸ به ۱۷۳۱ عدد نشان داده شده است.

من که هر روز این سایت را زیر نظر میگیرم، برداشت دیگری از تعداد مطالب منتشره درین سایت دارم. طوری که مشاهداتم در شش ماه دوم سال ۲۰۰۸ نشان میدهد، بسا روزها یک الی دو مقاله جدید در "جرمن جرمن" اشاعه مییابد و به ندرت و کدام روز نیکبخت باشد، که تعداد مقالات یکروز به پنج عدد برسد. اگر از روی مراعات و

بزرگ منشی، تعداد اوسط مقالات رومزه سایت "جرمن جرمن" را به "دو و نیم" عدد فرض بکنیم، مجموع مقالات شش ماه آخر سال ۲۰۰۸ را - با مد نظر گرفتن تمام تقلبات "جرمن جرمن"ی آن - در حدود ۴۵۰ عدد می یابیم. البته تعداد مقالات شش ماه اول این سایت بیشتر و شاید در حدود ۷۰۰ مطلب بوده باشد. بدین حساب تعداد مجموعی مقالات این سایت رو به انحطاط را در سال گذشته حد اکثر ۱۱۵۰ تا ۱۲۰۰ عدد خواهیم یافت. و چون میلان رو به پایان است، این تعداد در سال جاری شاید به آستانه ۸۰۰ مقاله هم نرسد. کسی باشد که برود و در بیخ گوش متصدیان "جرمن جرمن" آهسته بگوید، که :

### "آن سبو بشکست و آن ساقی نماند"

کسانی که زمانی برای شما مقالات فراوان و بر در بر تقدیم میکردند، بر اثر بی مبالاتیها و بدماشی های چند کهنه پیخ. کهنه خیال سایت، از "جرمن جرمن" بریند و حالا روزی رسیده که سایت دست زیر الاشه نشسته، "یا الله یا الله" و "یا عزیز یا عزیز" گفته، چشم براه ورود مطالب جدید است. و مثل اینکه مقالات جدید "سنگک" شده باشند، انتظار دوامدار هم سودی نمیبخشد.

**متصدیان سایت "جرمن جرمن" به همان ماهیگیری شباهت پیدا کرده اند، که در آب بی ماهی، به صید ماهی مشغول اند ؛ از صبح تا به الله شام منتظر می مانند که چیزی در چنگک شان گیر بماند و در اخیر روز، یکی دو دانه "سگ ماهی" را در چانته زده، پشت سر خود را خاریده، پت و پریشان بخانه برمیگردند!!!!**

خواننده ارجمند پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" حتماً بر من خرده خواهد گرفت، که چرا کوچکترین رحمی بر آن سایت درمانده و متصدیان درمانده ترش، ندارم و گپ "مؤمنان مسلمان" را قبول نمیکنم؟؟؟ خوب وقتی که گپ ازین قرار است :

به فرض مُحال قبول کنیم که سایت "جرمن جرمن" درین مدت ۱۷۳۱ مقاله نشر کرده!!! حالا که فرض را چنان نهادیم، باید نقادانه ببرسیم، که چه نوع مقالات با چه محتوا و از قلم چه کسانی در سایت "جرمن جرمن" افتیده است. اجازه بدهید که قصه ای را بدین مناسبت بازگویم :

گویند روزی ماده شغالی با شیری روبرو شده و دید، که تنها یک بچه گرد شیر میگردد. وقتی این بیچارگی شیر را بدید و با وضع خود مقایسه کرد، که نام خدا دوازده چوپه دور سرش غُمُبر میزنند، دلش بحال شیر سخت بسوخت. دل شیر را بدل خود بسته، نزد شیر رفته گفت :

« دلم بحالت بسیار میسوزد که فقط یک بچه داری، در حالی که وقتی من بعد از شکار بخانه برگردم، خدا کم نکند، "دوازده" چوپه ام دور سرم جمع میگردند.» شیر چون دانست، که در دلسوزی شغال نیرنگباز نوعی طعنه نهفته است، برایش گفت :

« من یک بچه دارم، مگر "شیربچه" است، چه کنیم دوازده بچه را که همه "شغال" باشند؟؟؟؟ » (... ، تاسی خو دوه لس بجی لری، مگر تول شغالان دی!!!!)

## داستان "تحفه محبت"

دیروز - دهم جنوری ۲۰۰۹ - شعری از فخرالشعراء جناب محمد نسیم "اسیر" را در سایت "جرمن جرمن" به بارنامه نشر کردند و آن هم با مقدمه ای گویا از طرف خود شاعر. و آن مقدمه چنین است :

## Obama است Obama

»

دوستان گرانقدر پورتال **Afghan German Online**!

در شماره اخیر مجله وزین درد دل افغان منتشره کالیفورنیا به گرداندگی دانشمند محترم آقای وهاج مضمونی پر محتوایی به قلم جناب شان در مورد انتخاب بارک اوباما رئیس جمهور جدید امریکا نوشته شده که انگیزه سرودن این شعر گردیده است، من این شعر را منحیث اولین تحفه محبت به پورتال وزین تان تقدیم کرده و وعده همکاری های آینده را هم میدهم.»

من تا متیقن نگردم که این تبصره اهدانیه از خود استاد "اسیر" نیست، بر آن تبصره ای هم نمیکنم. تنها میخواهم یادآوری نمایم، که جناب استاد "اسیر" از سابق با پورتال "افغان جرمن آنلاین" قدیم و "جرمن جرمن" جدید همکاری داشتند و شواهد کافی در سایت "جرمن جرمن" بر این نکته دلالت میکند. و وقتی که چنین است، چه ضرورتی بود، که چنین تبصره را پیش از شعر استاد بیاورند و آن شعر را "اولین تحفه محبت" استاد بنامند؟؟؟؟

ساعت ۱۳ پیشین امروز ۱۱ جنوری ۲۰۰۹، باز گزرم به سایت مضحک و متزلزل "جرمن جرمن" افتاد و میدانید که چه کشف عجیبی دست داد؟؟؟

## کشف عجیب :

خواننده عزیز خدا به شما روز نیکی بدهد، که سایت جرمن جرمن "آن شعر استاد اسیر را دوباره بر صدر صفحه گذاشته و آن مقدمه اهدائیه "اولین تحفه محبت" را حذف کرد.

قابل توجه اینست، که شعر استاد اسیر را در اول بشکل پی دی اف و بدون فورمات و رواق و آرم "افغان جرمن" نشر کرده بودند، تا نزد مردم ثقه جلوه نماید. ولی حالا، آن را در تمپلیت "افغان جرمن" و بشکل معمول آن سایت نشر کرده و تاریخ ۱۱ جنوری را بر فرقه کوبیده اند!!!

داستان "تحفه محبت" هنوز تمام نشده، چون وقتی ساعت ۶ و ۳۰ شام امروز ۱۱ جنوری ۲۰۰۹ دوباره سایت "جرمن جرمن" را باز کردم، دیدم که "تحفه محبت" باز عرض وجود کرده است. این بار آن مقدمه را در "تمپ" خود سایت و بدون بیرق سه رنگ چنین تغییر دادند :

۲۰۰۹/۱/۱۱

» ا، نسیم اسیر

دوستان گرانقدر پورتال "افغان جرمن آنلین" !

در شماره اخیر مجله وزین "درد دل افغان" **منتشرة** کالیفورنیا به گردانندگی دانشمند محترم آقای وهاج مضمونی پر محتوایی به قلم جناب شان در مورد انتخاب بارک اوباما رئیس جمهور جدید امریکا نوشته شده که **انگیزه** سرودن این شعر گردیده است، من این شعر را منیث اولین **تحفه محبت** به پورتال وزین تان تقدیم و **وعده** همکاری های آینده را هم میدهم» (بدون نقطه آخر جمله)

یقین دارم که این پراگراف که مشحون است از اغلاط تایپی و املائی، نوشته فخر الشعراء جناب محمد نسیم "اسیر" – که خود استاد "ادب دری" میباشند – نیست!!!!

من هر سه ورشن نقل شده شعر استاد "اسیر" را – که سه بار تغییر هیئت داده و دستکاری گردیده – ثبت کرده ام و در صورت لزوم بیرونش خواهم داد!!!!

خواننده ارجمند خواهد پرسید که در تالاق مقاله از "طنز اول سال ۲۰۰۹" سخن رفته، کو آن طنز؟؟؟ به ایشان بشارت میدهم که اینک آن طنز را تقدیم میکنم :

## طنز اول سال ۲۰۰۹

### "یک نی و صد آسان"!!!!

می خواهم اولین طنز امسال را با "ذکر خیر"ی بیاریم و وقتی پای "طنز" و "خوش طبعی" و "ذکر خیر" و "خندیدن" و "خنداندن" به میان آید، چقدر بد میشود، که سایت مشهور به "جرمن جرمن" "مجلس آرا" و "زینت بخش محفل" نباشد!!!!

پیش از گذر به اصل مطلب نکته ای را روشن میسازم، که آن هم حکم "طنز" را دارد :  
وقتی "جرمن جرمن" مینویسم، به یاد ترکیب "آمد آمد" می افتم و سالهای بسیار قدیم ، آنطرف تر نیم قرن گذشته، که در ملک ما آرامی بود و امنیت بود و صلح بود و فکر مردم ما را جنجال های امروزه نمی آزرده. در آن زمان در زبان مردم ما و نیز در زبان مطبوعات و اهل قلم ما از "آمد آمد" سخن می رفت. در پیشوندی همین دو "کلمه" بهانه ای می جستند، تا مثلاً پیک "بهار" را گرامی داشته و "آمد آمد بهار" بگویند و بنویسند.

اما از ترکیب "جرمن جرمن" چه چیزی تداعی میگردد؟؟؟ ازین ترکیب بصراحت استنباط میگردد که با استعفاي چند افغان راسخ از عضویت پورتال "افغان جرمن" سابق، از آن چیزی باقی مانده که در ترکیب "جرمن جرمن" و در پالیسی "جرمن پرستان" انقیاد طلب پوشیده و آشکارای این سایت، تبارز و تجسم می یابد.

## سؤال :

چرا "جرمن جرمن" تریک سال نو عیسوی را تحریم کرد و آن را به جهانیان تبریک نگفت؟؟؟ مگر این مناسبت و تقریب فراموش متصدیان آن سایت گردیده است؟؟؟ یا که نمیخواهند سال نو عیسوی را به جهانیان تبریک بگویند؟؟؟ و یا اینکه فکر میکنند، که هر جمله ای را که در طاق پیشانی خود به حیث "خط روان" عرضه بدارند، مورد انتقاد ادبی و شماتت منطقی قلم "ماروفی صایب" قرار میگیرد؟؟؟ در زمانی که آن پنج نفر فعال و مترقی عضویت پورتال "افغان جرمن آنلین" را داشتند، چنین سهل انگاریی صورت نمیگرفت و به هر مناسبتی از طرف پورتال چیزی

ضمن "خط روان" رواق آن عرضه میگردید؛ خواه عید مؤمنان مسلمان بود و یا عید کرسمس و یا روزهای تاریخی افغانستان عزیز و یا موضوعاتی دیگر که شایان تذکر بود!!!!

حالا وقت آن رسیده که دلیل اصلی تحریم تیریک سال ۲۰۰۹ را بیان نمایم :  
متصدیان سایت "جرمن جرمن" وقتی چندین روز پیش نسبت حلول سیهروز ششم جدی ۱۳۵۸ یا ۲۷ دسمبر ۱۹۷۹ آن "اعلان متحرک" خود را تعبیه کردند، مورد نوازش "ماروفی صایب" قرار گرفتند. همان بود که "طنز شش جدی" را نثارشان کرده و همان یک جمله شان را به چار کتاب "کافر" کشیدم. ایشان رفتند پیش کدام "اوقی ادب فهم" تا چاره دردشان را بکند و آن ظالم هم زور زده زور زده، جمله ای را با طمطرق عرضه کرد و ما دیدیم و همه شاهد بودیم که قلم "ماروفی صایب" ضمن مقاله دومی زیر عنوان "متصدیان "جرمن آنلاین" تقرر فکری ندارند!!!!-... " مؤرخ ۲۹ دسمبر ۲۰۰۸ خود، آن جمله "پرطمطراق ایشان" را نیز غلط ثابت ساخت. بعداً وقتی سایت "جرمن جرمن" چاره را حصر دید و زورش دیگر نرسید و عقلش از چاره کار عاجز ماند، بهتر دانست که دست بدامن همان دو ضرب المثل مشهور کابلی زده و در دل و در عمل بگوید :

**یک نی و صد اسان" و یا که "شتر را دیدی، نی ندیدم"!!!!**

در آثار مرحوم علامه مرتضی مطهری - عالم شهیر ایران که در عنفوان انقلاب اسلامی شهید گردید - خوانده بودم، که بسا کسانی که از خدا و دین منکر اند، در واقع با یک "نی" کار خود را "آسان" میسازند. میگویند که "خدائی" وجود ندارد (العیاذ بالله) چون وقتی گفتند "الله" وجود دارد، باید "دین" را قبول کنند و وقتی "دین" را پذیرفتند، باید به امر و نهی "دین" گردن نهند. در دین اسلام مثلاً مجبور شوند که "نماز بخوانند، روزه بگیرند، حج بروند و کارهای نیک بکنند و از کارهای بد و "سیئات" چون "دروغ و حرام و منافقت و شیطنت و توطئه و ساخته کاری و غیره" بپرهیزند. چون مراعات این همه "امر و نهی" کاریست پر جنجال و آکنده از اشکال، پس بهتر دیدند که یک "نی" بگویند و خود را "راحت راحت" بسازند!!!! از همینجاست که "وجود خدا" را از بیخ و ریشه نفی کرده، عذر دین را خواستند و از ایمان به خدا و پذیرفتن دین سر باز زدند.  
با اصل این فلسفه استاد شهید مرتضی مطهری و صحت و سقم اقامه دعوايش كاری ندارم، فقط خواستم منصبه عملی ضرب المثل کابلی "یک نی و صد آسان" را از زبان یک عالم متبحر و برجسته دینی بشکافم و آنرا در مورد سایت "جرمن جرمن" تطبیق نمایم.  
واقعیت امر اینست که این "سایت" که فتنه ها زیر سر و توطئه ها در کمر دارد، و به فرموده هفتصد سال پیش حضرت حافظ

**سرم به دنیا و عقبا فرو نمی آید      تبارک الله ازین فتنه ها که در سر ماست!!!!**

ظاهراً نمیخواهد بخاطر آوردن آن یک "جمله"، خود را رسوای عام و خاص بگرداند. پس کار را یکسره ساختند و از آوردن آن "جمله روان" و "تبریکه سال نو عیسوی" سر باز زدند، ولو که پرنسپ های همیشگی خود را پایمال هم کردند؛ بدینقرار :

اگر آن "خط روان" را بیاورند، چطور باید بیاورند و چطور آن را فارمولبندی کنند؟؟؟ چون می دانند که قلم نقاد "ماروفی صایب" که همیشه موی در خمیر می پالد، در آن حتماً اشتباهی را کشف خواهد کرد. آنها مطمئن اند که هر رنگ "لوت و پلوت" بزنند، پشت و پهلوی خود را خواهند شکست. و ازین چه بهتر که هرگز نه لوت بزنند و نه پلوت، و با یک "شیرغلت" مزورانه خود را از شکنجه قلم "ماروفی صایب" نجات بدهند. بی خبر ازینکه قلم "ماروفی صایب" همان یک بیت را نیک از بر کرده و معنایش را در عمل تطبیق میکند که :

**به هر رنگی که خواهی جامه میپوش      من از طرز خسرامت می شناسم**

ایشان غافل اند از اینکه سایت "جرمن جرمن" اینک به "اشتر" شباهت پیدا کرده و کدام قسمت "اشتر" نیست که کج نباشد و وقتی که چنین است، خود تبرئه کردن از طریق "نیاوردن آن یک جمله"، کاریست در حد جنون!!!!!!

اما چرا سایت "جرمن جرمن" برخلاف تعاملات همه ساله خود، امسال از پیام تبریک سال ۲۰۰۹ سر باز زد؟؟؟ یک ضرب المثل عام ما میگوید :

**«کتی گوشتش آشتی، کتی شوروايش جنگی؟»**

تمام معاملات جهان به حساب "سال عیسوی" صورت میگیرد و ما همه خود را بدان پایبند و مقید میدانیم، اما وقتی حلول این سال بیاید، شیرغلتي بزنیم و بگوئیم : «این سال ما نیس، به ما چی؟»  
برادر جان گل؛ این اگر سال تو نیست، سال چند ملیارد انسان همین کره ارض است و نمیتوان از آن طفره رفت. مگر اجازت داریم، که چار پنج ملیارد انسان روی زمین را نادیده گرفته و سال نو ایشان را تبریک نگوئیم؟؟؟

بابا جان؛ در همه جا و در همه حال و احوال از همین سیستم شمارش تاریخ استفاده می‌گردد و سنه هجری مسلمانان حد اکثر در چند مملکت اسلامی رایج است، آن هم نه بشکل یگانه، بلکه به صورت دوگانه "هجری شمسی" و "هجری قمری". در معاملات جهانی و در ارتباط با جهان و جهانیان هرگز نمیتوان سال عیسوی را نادیده گرفت!!! ما جزء همین جهانیان و جزء جهانیان و وقتی که چنین است، نمیتوانیم رسم و رواج ایشان را که حالا دیگر صبغت جهانی و بین المللی پیدا کرده است، نادیده بگیریم.

بیان تاریخ به حساب "هجری" برای جهان و جهانیان غیرمفهوم و عاری از فایده است. یا باید جهان به دهل مسلمانان برقصد و تاریخ خود را به حساب "هجری" بیاراید و یا اینکه ما مسلمانان تاریخ معمول جهان را برگزینیم و خود را از پروسه عام جهان عقب نکشیم. ما مسلمانان که در دنیای امروزی رول "شاگرد" جهان را نیز بازی کرده نمیتوانیم، چرا رسم و رواج "استاد" خود را نایده گرفته و لااقل با ابراز یک تبریک خشک و خالی در شادی ایشان شریک نگردیم؟؟؟؟

## یک نکته جال دیگر سایت "جرمن جرمن"

سایت "جرمن جرمن" مقاله آقای حکیم نعیم را که جواسیس "کی جی بی" را در افغانستان افشاء میکرد، به نظرخواهی گذاشت و میدانید که سرنوشت این مقاله جانانه و نظرخواهی آن به کجا کشید؟؟؟ در مدت یک هفته ای که این مقاله در صدر ستون "نظر خواهی" جای گرفته بود، فقط ۱۷ نظر ارائه گردید، آن هم در پنج روز اول آن. بعد از آنکه در دو روز آخر حتی یک نفر هم نظر ننوشت "جرمن جرمن" مقاله را از ستون "نظرخواهی" بیرون کشید!!! از جمله این هفته نظر هم یکی نظر خود جناب حکیم نعیم بود و نظر آخرین هم موقف و تصمیم گیری خود سایت "جرمن جرمن"، مبنی بر اعلان ختم نظر خواهی. یعنی که در ظرف یک هفته در چنین یک موضوع مهم فقط ۱۵ نظر ارائه شد. این داستان آموزنده به ما می آموزاند، که:

**در سائیتی که خود لانه خلیان و پرچمیان شده باشد، معلوماتدار که کسی به افشاء گری های جواسیس کی جی بی علاقه نمیگیرد!!!!!!**

## روژه "جرمن جرمن" و افطار با مرداری

سایت "جرمن جرمن" به تاریخ ۹ جنوری بکلی بی مضمون گشته بود، بیست ساعت بود که مقاله جدید روی این سایت را ندیده بود، که یکبار بقدرت خدا مقاله ای در سایت افتید و میدانید، چه مقاله ای؟؟؟ مقاله ای را با مضمون کهنه از قلم همان پرچمی مشهور و همان "گاو پرست" نامی بنام "فقیر محمد ودان" از پشت کدام کندوی آرد بیرون آورده و بحیث "مقاله جدید" در صدر سایت "جرمن جرمن" انداختند؛ آن هم با مقدمه ای از طرف خود "جرمن جرمن" که خدایت نشان ندهد!!!! تبصره بر این "تبصره" را میگذارم به طنز بعدی. این کار "جرمن جرمن" به قصه شخصی شباهت دارد، که یک شبانه روز روزه گرفت - و روزه غرقه گرفت - و در آخر، روزه را با کدام مرداری باز کرد!!!!

**دلم میخواهد طنزهای دیگری را نیز در زمینه قطار کنم، اما گفته اند که "هر چیز به اندازه". با همین حسن ختام خواننده گرانقدر را بخدای کریم و رحیم می سپارم.**

( تا طنز آینده )